



سبب ضعف و شکست روحیه و سستی در انجام تکالیف نیست. هیچ‌کس نگفته چون مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، تکالیف ساقط و مسلمانان در برابر کُفار و حملات آنها تکلیفی ندارند و باید دست روی دست بگذارند.

هیچ‌کس نگفته آیه: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ...﴾ و آیات راجع به امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و دفاع از اسلام و وظایف اجتماعی و سیاسی را نباید اجرا کرد.

کسی نگفته است: ایمان به ظهور مهدی علیه السلام برای افراد سست‌عنصر و ضعیف‌الاراده و بهانه‌جو و کسانی که ظلم و استعمار اجانب را در بلاد اسلام و خانه و وطن خود تحمل کرده‌اند، عذر است.

هرگز در یک خبر و روایت نرسیده که کارها را به آینده و ظهور مهدی علیه السلام واگذارید؛ بلکه به‌عکس مسلمانان در اخبار و احادیث به صبر، ثبات، کوشش، استقامت و شدّت تمسک به تعلیمات و برنامه‌های قرآن تشویق شده‌اند.

همان‌طور که پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله و مجاهد اول اسلام علی علیه السلام و صحابه والامقام به انتظار ظهور مهدی علیه السلام، خانه‌نشینی و کناره‌گیری اختیار نکردند و برای إعلا‌ی کلمه اسلام، آتی فارغ نبودند و از هیچ فداکاری و جانبازی خودداری نکردند، امروز هم مسلمانان همان وظایف را عهده‌دار و همان مسئولیت‌ها را دارند.

ایمان به ظهور مهدی علیه السلام و امام وقت نیز، مؤید همین احساس مسئولیت است.

ایمان به ظهور مهدی علیه السلام موجب تهذیب اخلاق و ورع و پارسایی و بیداری ضمیر است.

ایمان به ظهور مهدی علیه السلام با واگذاری امور به آینده و گوشه‌گیری و انزوا و امروز و فردا کردن و قبول تسلط کُفار و اشرار و خودداری از ترقی‌صناعی و علمی و ترک اصلاحات اجتماعی سازگار نیست.

ایمان به ظهور مهدی علیه السلام سبب رشد فکر و مانع از ضعف، ناامیدی و بدبینی به آینده است.

ایمان به ظهور مهدی علیه السلام همان نتیجه و فایده را دارد که آیات شریفه‌ای مثل: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّهٗ لَآخَفَاظُونَ﴾؛^۱ البتّه ما قرآن را بر تو نازل کردیم و خود نیز آن را محفوظ خواهیم داشت. و آیه: ﴿يُرِيدُونَ لِيُظَفِّرُوا نُوْرَ اللَّهِ بِأَقْوَافِهِمْ...﴾؛^۲ کافران می‌خواهند، نور خدا را با گفتمان باطل و طعن و مسخره خاموش کنند... و آیه: ﴿وَلَا تَهَيَّأُوا لِلْحَرْبِ وَلَا تَحْزَنُوا وَإِنَّكُمْ لَآغْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛^۳ شما مسلمانان نه هرگز (در کار دین) سستی کنید و (نه از فوت غنیمت و متاع دنیا) اندوهناک باشید؛ زیرا شما فاتح و پیروزمندترین و بلندترین ملل دنیا هستید، اگر در ایمان ثابت و استوار باشید.

همان‌طور که مفاد این آیات فتور و سستی و شانه از زیر بار مسئولیت خالی کردن نیست، ظهور مهدی علیه السلام و غلبه آن حضرت و حکومت جهانی از نیز، سبب سستی و جواز مسامحه در انجام تکالیف نیست.

همان‌طور که مسلمانان صدر اسلام از این آیات و بشارت‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله به فتوحات آینده و کشورگشایی‌های مسلمین، نفهمیدند که باید در خانه به انتظار آینده نشست و تماشاچی صحنه‌های شکست مسلمانان و عقب ماندن آنها از کُفار در علم و صنعت و اسباب قوّه و قدرت گردند و به گفتن اینکه خدا حافظ است و خدا وعده نصرت داده و خدا نمی‌گذارد، نورش خاموش شود اکتفا نمی‌کردند؛ کسانی هم که به ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایمان دارند، خصوصاً اگر روایات و احادیثی را که از طرق شیعه روایت شده خوانده باشند، باید در اطاعت اوامر خدا و انجام تکالیف شرعی از دیگران کوشاتر و غیرت، همت و اهتمام آنها در حفظ نوامیس شرع و حمایت از قرآن و احکام و دفاع از حریم اسلام و مجد و عظمت مسلمین بیشتر باشد.

• پی‌نوشت‌ها

۱. لقمان، ۳۴.

۲. انفال، ۶۰؛ «برای مقابله با دشمنان هرچه در توان دارید (از نیرو و اسب‌های وزیده) آماده سازید...»؛

۳. حجر، ۱۹.

۴. صف، ۲۸.

۵. آل‌عمران، ۱۳۹.

خواستار حمایت‌های رسانه‌ای شد.

• رسانه حوزه بین‌المللی است

حجت‌الاسلام والمسلمین برته نیز در این نشست در سخنانی، بیان کرد: مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه حدود یک سال است که ایجاد شده است و تلاش داریم، کارهایی عقب‌مانده را جبران کنیم و با استفاده از فناوری‌ها و بسترهای جدید، قدری گام‌های سریع‌تر و بزرگ‌تری برداریم. مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه افزود: چرخه‌ای در مرکز رسانه شکل گرفته که چرخه دانشی و فکر شده‌ای است. حسن کار این بود که ابتدا مطالعه میدانی خوبی شد و یک چرخه تولیدی استخراج و بر اساس آن چرخه، ساختار شکل گرفت.

سخنگوی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه افزود: رسانه حوزه فقط برای حوزه علمیه قم و کشور نیست؛ بلکه بین‌المللی است و تنها ارگان وصل حوزه‌های علمیه در داخل و خارج از کشور، رسانه حوزه است.

مدیر مسئول خبرگزاری حوزه ادامه داد: تنها رسانه‌ای که این سازمان‌ها را به هم وصل کرده، رسانه حوزه است. خبرگزاری حوزه اخبار حوزه نجف را پوشش و منتشر می‌کند؛ در صورتی که سایات‌های مراجع نجف هنوز آن خبر را کار نکرده‌اند. وی ادامه داد: رسانه حوزه در برخی جریانات منطقه‌ای اثرگذاری خوبی داشته است. قدم‌های بزرگ‌تری هم برداشته شده و امیدواریم به‌زودی اولین نشریه اطلاع‌رسانی منطقه‌ای حوزه‌های علمیه را راه‌اندازی کنیم و حوزه وزن منطقه‌ای خودش را تثبیت کند.



اعتقاد به ظهور حضرت مهدی

چه نقشی در تربیت اخلاقی و اجتماعی

منتظران دارد؟

آیت‌الله‌العظمی‌صافی‌گلیپگانی رحمته الله تعالی

طنطاوی مصری در تفسیر خود راجع به قرب ساعت «قیامت» و ظهور مهدی علیه السلام، سخنان ابن‌خلدون مغربی را نقل کرده و این دو موضوع را سبب ضعف عزائم و ایراث سستی و تفرقه و اختلاف پنداشته و به علمای اسلام، نسبت غفلت بلکه تلویحاً آنها را به جهل و ضلالت نسبت داده است.

راجع به تفرقه و اختلاف در مقاله «عقیده به ظهور مهدی علیه السلام و قیام مدّعیان مهدویت» توضیح داده شد که تمام عناوین و حقایق مورد دستبرد و سوء تعبیر صاحبان اغراض فاسد گردیده و حتّی مفهوم یگانگی و وحدت ملّی و دینی هم وسیله تفرقه شده و به‌نام تحصیل اّحاد، بسا اختلاف به وجود آمده و به اسم حفظ وحدت، تفرقه ایجاد می‌کنند و مرتکب تجاوزات ننگین می‌گردند؛ امّا این سوءاستفاده‌ها

زیانی به حسن اّحاد و لزوم آن نمی‌زند.

ایمان به ظهور مهدی علیه السلام هم، مثل سایر عقاید اسلامی باید قدر مشترک و وسیله اّحاد باشد. شما مقصّر هستید؛ زیرا موضوعی را که اّقت بر آن اّحاد و اتفاق دارند و اعتبار مدارک و مآخذ آن از بسیاری از عقاید و مسائل اسلامی قوی‌تر است، انکار می‌کنید و اختلاف و تفرقه ایجاد می‌نمایید.

اّقا راجع به قرب ساعت؛ اولاً، ایمان به اقتراب و نزدیکی قیامت مدلول و منطوق آیات محکم و صریح قرآن مجید است.

ثانیاً، این ایمان به‌هیچ‌وجه علّت ضعف و سستی نمی‌شود؛ بلکه سبب قوّت تصمیم و اهتمام در انجام تکلیف و خلوص نیت و تهذیب اخلاق و وسیله انداز و ترغیب به کارهای خیر و اعمال صالح است. شما چون در ردّ و قبول حقایق، به غلط نتایج ماذی را میزان قرار داده‌اید، می‌خواهید خبر اقتراب ساعت هم مستقیماً سبب فتح کشورها و دعوت به اختراع و پیشرفت امور صناعی و ماذی باشد و از تأثیر



اخلاق در حوزه

وصیت پیامبر اکرم

حضرت آیت‌الله علوی گرگانی

قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله: «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيِّي أَوْصِيْتُ إِلَيْكَ بِأَمْرِ رَبِّي وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي اسْتَخْلَفْتُكَ بِأَمْرِ رَبِّي. يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الَّذِي تُبَيِّنُ لَأُمَّتِي مَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ بَعْدِي وَ تَقُومُ فِيهِمْ مَقَامِي، قَوْلُكَ قَوْلِي وَ أَمْرُكَ أَمْرِي وَ طَاعَتُكَ طَاعَتِي وَ طَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْصِيَتُكَ مَعْصِيَتِي وَ مَعْصِيَتِي مَعْصِيَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۱

نبی مکرم اسلام به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ وَصِيِّي أَوْصِيْتُ إِلَيْكَ بِأَمْرِ رَبِّي»؛ من تو را وصیت می‌کنم به امر پروردگارم. «وَ أَنْتَ خَلِيفَتِي اسْتَخْلَفْتُكَ بِأَمْرِ رَبِّي»؛ و تو به امر خدای من جانشین من هستی. از این عبارت و وصیتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام کرده است معلوم می‌شود که جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ زیرا خود رسول‌الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: به امر من نبوده؛ بلکه به امر خدا بود و اینکه تو خلیفه و جانشین من شدی، به امر من نیست؛ بلکه به امر خداست.

«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ الَّذِي تُبَيِّنُ لَأُمَّتِي مَايَخْتَلِفُونَ فِيهِ بَعْدِي»؛ تو کسی هستی که هرگاه در میان اّمت من اختلاف افتاد، روشن-کننده حق و باطل و بیان‌کننده آن می‌باشی. در اینجا بود که لقب «فاروق‌الاکبر» را به امیرالمؤمنین علیه السلام دادند از باب اینکه وجود مبارکشان، فارق بین حق و باطل است؛ یعنی هرکس امیرالمؤمنین علیه السلام را بپذیرد، راه حق و حقیقت را رفته و از گمراهی در امان است و هرکس او را نپذیرد، از آنچه که خدا فرموده است، سرپیچی کرده و به راه باطل رفته است. خداوند متعال در سوره مبارکه نبا می‌فرماید: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ»^۲ حضرت علی علیه السلام فرمود: «نَبَأٌ عَظِيمٌ» من هستم. چرا؟ «الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ»^۳ همانی که در باره او اختلاف کردند؛ یعنی یک عده ولایت او را پذیرفتند و عده‌ای هم ولایت او را قبول نکردند. اینجا هم حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: علی‌جان! تو کسی هستی که مردم باید در اختلافات به تو رجوع کنند و باید اّمت مرا هدایت کنی تا نجات پیدا کنند. هرچه اختلاف پیدا می‌کنند، باید به‌وسیله تو حل شود.

«وَ تَقُومُ فِيهِمْ مَقَامِي، قَوْلُكَ قَوْلِي وَ أَمْرُكَ أَمْرِي وَ طَاعَتُكَ طَاعَتِي وَ طَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْصِيَتُكَ مَعْصِيَتِي وَ مَعْصِيَتِي مَعْصِيَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ تو باید به‌جای من در میان اّمت من باشی و کار و رسالت مرا انجام دهی. این موضوع نشان‌دهنده این است که تمام اموری که خدا برای پیغمبر صلی الله علیه و آله خود گذاشته است، ایشان هم آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام موکول کرده است. در چندین روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: آنچه را که خداوند متعال به پیغمبر صلی الله علیه و آله داده است، همان را به جدّ ما امیرالمؤمنین علیه السلام موکول کرد. بعد سّوال می‌کنند که آیا امام هم مثل پیغمبر صلی الله علیه و آله، علم و آگاهی به همه چیز دارد؟ حضرت فرمود: بله! به همه چیز آگاه است. آگاهی ما از انبیاء گذشته بیشتر است. اگر من در جریان خضر و موسی علیه السلام بودم، چیزهایی می‌گفتم که آنها نمی‌دانستند. بعد عرض کردند: یاین رسول‌الله! مگر علم شما با علم حضرت موسی و خضر علیه السلام فرق می‌کند؟ حضرت فرمود: بله! ایشان علم «بما کان» داشتند؛ امّا علم «بما یکون و ما هو کائن الی یوم القیامة» نداشتند. این علم فقط مربوط به ماست؛ یعنی حضرت موسی و خضر علیه السلام فقط به گذشته علم داشتند؛ امّا امامان معصوم نه‌تنها به گذشته؛ بلکه به زمان حال و آینده هم علم دارند؛ لذا اّثمّه علیه السلام ما افضل از انبیاء هستند. شما حساب کنید که چقدر مقامشان بالاست.

در اینجا هم حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: علی‌جان! تو باید جای من قرار بگیری. کلام تو، کلام من است. امر تو، امر من است. اطاعت از تو، اطاعت از من است و هرکس مرا اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛^۴ هرکس پیغمبر صلی الله علیه و آله را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. اینجا هم ایشان می‌فرماید: اطاعت از تو، اطاعت از من است و این به قیاس مساوات درست می‌شود و نتیجه می‌گیریم که اطاعت از امیرالمؤمنین علیه السلام مثل اطاعت از خداست و هرکس از تو سرپیچی کند، از من سرپیچی کرده است و سرپیچی و معصیت از من، معصیت خدا حساب می‌شود.

همچنین حضرت امر خانواده‌اش را به امیرالمؤمنین علیه السلام واگذار کرد و فرمود: آنها تا زمانی که در اطاعت تو هستند، ام‌المؤمنین می‌باشند؛ اگر از اطاعت تو بیرون رفتند، تو اختیار داری آنها را از لقب ام‌المؤمنین بودن خارج کنی. پیغمبرعزیز ما صلی الله علیه و آله، حتّی بعد از شهادت و رحلت مبارکشان، باز اختیار امور را به دست امیرالمؤمنین علیه السلام داده بودند.

پس ما همیشه باید کارهایمان و برنامه هایمان آن‌چنان باشد که اّثمّه معصومین علیه السلام از ما راضی باشند. اگر اّثمّه ما و یادگارشان امام زمان علیه السلام از ما راضی باشند و فرمانشان را اطاعت کنیم، مثل این است که خدا را اطاعت کرده‌ایم؛ برای اینکه در روایت مفصّلی، باز امیرالمؤمنین علیه السلام امور خودش را به دست مبارک فرزندش امام حسن علیه السلام داد و فرمود: بعد از خودت امور را به برادرت حسین علیه السلام واگذار کن و آنها هم همین‌طور نسل به نسل تا دوازدهمین یادگار، مهدی آل‌محمّد علیه السلام که او می‌ماند تا زمانی که خدا امرش را صادر کند.

منبع: انوار اخلاقی، حضرت آیت‌الله علوی گرگانی ج ۲، ص ۱۹۰

• پی‌نوشت‌ها

۱. من لایحضره‌الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۹؛

۲. سوره مبارکه نبا، آیات ۱و۲؛

۳. سوره مبارکه نبا، آیه ۳؛

۴. سوره مبارکه نساء، آیه ۸۰.